

تحلیل و بررسی عقل و عشق در متون ادبیات فارسی

چکیده محتوایی

بیان مدعا (دکتر رحیمی):

دو موضوع بسیار مهمی که همیشه با چالش های فراوانی در بین صاحب نظران و محققان حوزه پژوهشهای عرفانی روبرو بوده است، رابطه عقل و عشق از دیدگاه عرفا است. با توجه به تعاریف و نظریات مختلفی که درباره این دو نیروی خدادادی است، کدام یک از این دو، انسان را به سعادت و لقای الهی می رسانند. آیا در این مسیر نسبت به یکدیگر برتری دارند؟ اینکه عارف شاعری همچون مولوی پای استدلالیون را چوبین می داند و یا عطار نیشابوری عقل را برای طی طریق در مسیر خداوند، طفلی بشیر می شمارد و غالباً عرفا عقل را ذم می کنند، و از طرف دیگر همین عرفا از گوهری به نام عشق سخن پردازی می کنند و آن را مرکبی توانا برای رسیدن به خداوند می دانند، موضوعاتی است که ضرورت بحث در باب آن را ضروری می سازد. در متون منثور عرفانی نیز در این باره مفصل شده است. کشف المحجوب با دقت هر چه تمام تر به نظریات اختلافی عرفا در این رابطه پرداخته است و رساله قشیریه فصلی از کتابش را به این موضوع اختصاص داده است. البته کسانی همچون نجم الدین رازی، بهاء ولد و سهروردی هر کدام رساله ای جداگانه در این باب نگاشته اند. عقیده نویسندگان بر این است که عقل دارای مراتب مختلفی است که عرفا تنها آن جنبه از عقل جزئی نگر و معاش اندیش را که عافیت طلب است، در تقابل با عشق می دانند و جنبه روحانی عقل که می تواند با عقل فعال در ارتباط باشد و زمینه پیشرفت سالک را فراهم آورد، هیچ گونه تعارضی با عشق ندارد، بلکه با مرکب عشق هماهنگ و همسو است. در ادامه به تحلیل نظریات ایشان خواهیم پرداخت.

ناقد اول (دکتر موحدی):

در ابتدا اگر بیان مسئله مطرح می شد و مشخص می شد که چه چیزی قرار است حل شود مقاله نوعی دیگر به نتیجه می رسید؛ بیشتر پیشینیان و گذشتگان این مطالب را گفته اند، امروز ما چه گام نویی برداشته ایم و چه مطلب جدیدی را می گوئیم؛ در مورد موضوع عقل مانند بسیاری از موضوعات دیگر ما مشکل تعریف را داریم و در مقام تعریف نتوانسته ایم آن را به خوبی تبیین کنیم؛ مقام اول ما توضیح اصطلاح عقل و عشق است در برابر اصطلاحات دیگر؛ مقاله دارای اشکالات ویراستاری در بخش ویرایش دستوری زبانی هست؛ از دکتر رحیمی تشکر میکنم که با جرات مسئله را طرح کردند.

ناقد دوم (دکتر فولادی):

موضوع انتخاب شده یک موضوع علمی و تربیتی است؛ اصل موضوع مقاله بسیار ارزشمند است؛ در مورد عقل مطالب مختلفی در کتاب های مختلف گفته شده است و مهم این است که اینها را بررسی و مقایسه کرد؛ تقابل بین علم و عقل که صورت میگیرد کدام عقل هست، عقل کلی است، عقل جزئی است و اگر اینها گفته شود بسیار خوب است؛ این موضوع بسیار گستره است و ارائه دهنده محترم در مجالی اندک به آن پرداخته است و نگاهشان به مناسبت به گوشه ای از آن می باشد و به مقتضای حال به این تحلیل و نتیجه رسیده اند؛ به هر موضوع می توان دست کم از 360 درجه نگاه کرد؛ از هر طرف که به موضوع بنگریم طور دیگری موضوع را میبینیم.